

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۵ نومبر ۲۰۲۱

"پای مار و چشم مور و نان ملا کس ندید!"

چهارشنبه - ۳ قوس ۱۴۰۰ - کابل: در یادداشت روز گذشته، مختصراً از عملکرد صد روزه نظام ملاسالار نکاتی را تذکر دادم که به هیچ وجه کامل و بدون نقص نبود، انتظارم از شما خوانندگان این مطلب است تا خود نیز قلم برداشته، آنچه را من نتوانسته ام ببینم، شما بنویسد تا اگر بتوانیم کتاب جنایات طالب را قسماً کامل نمائیم، هر چند این کار غیر ممکن به نظر می رسد چه:

کتاب "ذم" * تو را آب بحر کافی نیست که تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم

در یادداشت امروز خواهم کوشید تا یکی از کمالات دیگر طالب را جهت تکمیل "کتاب ذم" وی بنگارم. هرگاه به خاطرتان مانده باشد و گرد و غبار برخاسته از جنایات طالب، صفحه ذهن تان را مکرر نساخته باشد، حتماً به یاد می آورید که در طول سالهای پار یعنی در تمام سالهایی که "غنی احمدزی" به نمایندگی از امپریالیسم امریکا و بقیه اشغالگران عربده می کشید و افاده می فروخت، از بس وعده داد و عمل نکرد و از بس دروغ گفت، از طرف مردم کوچه و بازار به وی لقب قهرمان دروغگوئی اهداء شده، در داخل و خارج حرف وی چیزی بیشتر از "گوزخر" ارزش نداشت.

حال وقتی عملکرد طالب و نظام ملاسالار را در بازه زمانی حاکمیت صد روزه شان می بینیم، هرگاه بخواهیم از این منظر آنها را مورد قضاوت قرار دهیم دیده می شود، که آنها از همین حالا کمرشان را محکم بسته اند تا در کنار، گرفتن قدرت سیاسی و سرکردگی غلامان از "غنی احمدزی"، لقب "قهرمان دروغگوئی" را نیز از وی بستانند. یکی از موارد و مصادیق این دروغگوئی ادعائی بود که در آغاز همین هفته وزیر مالیه نظام ملا سالار با طمطراق آن را اعلام داشت.

حتماً به خاطر دارید که سرپرست وزارت مالیه نظام ملاسالار رسماً و علناً اعلام داشت که در بازه زمانی کمتر از سه ماه آنها قادر شده اند، ۲۶ میلیارد و ۹۰۰ میلیون افغانی عواید به خزینه دولت سرازیر نمایند. و در نتیجه قادر شده اند تا پرداخت سه ماهه معاش مأموران و کارمندان دولتی را از روز شنبه یعنی ۲۹ ماه عقرب آغاز نمایند. امروز که سوم قوس است و از تاریخ اعلام شده، ۴ روز می گذرد، تا جایی که این قلم با مأموران و کارمندان وزارتخانه های مختلف از طرق گوناگون تماس گرفته ام، در هیچ یک از آنها نه تنها تا کنونی کسی به زنان حقوق و معاشی نپرداخته، بلکه قسمت اعظم از مأموران مرد نیز چشم شان به پول معاش نخورده است.

هموطنان گرامی!

مشاهده چنین وضعیتی ذهنم را به طرف "ضرب المثل معروف مردم کابل که "پای مار و چشم مور و نان ملا کس ندید" سوق داده، این یادداشت را نگاشتم تا به همه به زبان رسا اعلام بدارم که از دید نظام ملاسلار، به غیر از آنهایی که با خودشان افغانستان را اشغال نموده و بر مقاماتی گماشته شده اند، بقیه مردم افغانستان اسرایی اند که در مقابل زور طالب تسلیم شده اند. اسرایی که خود فاقد حق و حقوق بوده، نیازمند خیرات، صدقات و گذشت فاتحان می باشند. بر همین مبنا و از چنین منظری همین که طالب و نظام ملاسلار برای ما حق حیات در اسارت را قایل شده است، به خودی خود کافیت. یعنی هرگاه خواسته باشیم تا به مثابه انسان آزاد زندگانی نموده صاحب حق و حقوقی بگردیم، می باید آزادی مان را مجدداً خرید نماییم.

هموطنان گرامی!

این که مردم تا حال حقوق و معاشات چندین ماهه شان را نگرفته اند، نه تنها مبین دروغگوئی طالب است بلکه اصولاً با خصلت گداصفتانه قشر آخوند و ملا نیز در انطباق قرار دارد. ما اگر خواسته باشیم حقوق ما را از طالب بگیریم، با سکوت، آرامش و تحمل نتیجه ای نخواهیم گرفت، هرگاه می خواهیم به حق و حقوق ما برسیم می باید بر ترس و جبن مسلط بر جامعه چیره شده، با عزم جزم طالب را به نبرد فرا خوانیم و حق خود را از آنها بستانیم.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!

*- وقتی متعلم مکتب بودم، بیت بالا را در صنف دهم در بخش توضیح اغراق چنین خوانده بودم:

کتاب مدح تو را آب بحر کافی نیست که تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم

از آنجائی که نام شاعر آن را بعد از سپری شدن اینهمه سال به خاطر نداشتم خواستم از طریق مراجعه به انترنیت آن را یافته، خدمت شما تقدیم دارم. در آنجا این بیت به "علامه سعدالدین امیدی رازی تهرانی (م ۹۲۵ ق) فیلسوف، فقیه، شاعر و طبیب ابتدای عصر صفوی است" با شکل زیرین

کتاب فضل ترا آب بحر کافی نیست که تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم

آنهم در وصف "علی بن ابی طالب" خلیفه چهارم مسلمانان نسبت داده شده است.

تا جائی که حافظه ام یاری می دهد، می توانم حکم نمایم که با استناد به کتب درسی آنزمان، نه تنها کلمه مدح اصالت دارد بلکه شاعر "امیدی رازی تهرانی" ذکر نشده است. خوشحال می شوم هرگاه خوانندگان عزیز، در زمینه مستندات خود را بیان بدارند.

ع. قریشی